

## هوش معنوی در دانشجویان مقید به نماز اول وقت

اکرم اقدسی\*، آتنا اصفهانی خالقی، رقیه عبدی

باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی، ملارد، ایران

### چکیده

دانشمندان نیاز انسان به نیایش و ارتباط با خدا را همانند نیاز او به اکسیژن قلمداد می‌کنند برای رشد انسان ضروری می‌دانند. یکی از مهمترین شیوه‌های نیایش در دین مبین اسلام نماز است. هدف پژوهش حاضر مقایسه هوش معنوی دانشجویان اقامه کننده نماز اول وقت با دانشجویان غیر نمازگزار بود. ۱۵۶ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد واحد ملارد به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند (۷۰ نفر مقید به نماز اول وقت و ۸۶ نفر غیرنمازگزار) به منظور سنجش هوش معنوی دانشجویان، پرسشنامه هوش معنوی کینگ استفاده شد. نتایج نشان داد که هوش معنوی دانشجویان نمازگزار اول وقت بیشتر از هوش معنوی دانشجویان غیر نمازگزار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت تقید به نماز اول وقت می‌تواند منجر به افزایش هوش معنوی در بین دانشجویان گردد. با توجه به اثرات گسترده و عمیق اقامه نماز اول وقت، ترویج و توسعه فرهنگ اقامه نماز اول وقت بسیار ضروری است و لازم است خانواده ها و نهادهای مذهبی و اجتماعی توجه ویژه‌ای به این امر مهم داشته باشند.

**کلیدواژه‌ها:** نماز؛ هوش معنوی؛ دانشجویان

### مقدمه

امروزه بسیاری از صاحب‌نظران برجسته بر نیاز به دین و معنویت در بهداشت روانی و روان‌درمانی تأکید دارند و معتقدند که باورهای مذهبی و توکل به خدا موجب تسکین و بهبودی سریع‌تر دردها و مشکلات روانی می‌شود؛ به گونه‌ای که از حدود سی سال پیش، معنویت به‌طور رسمی در کار بالینی روان‌درمانگران وارد شد و در زمینه سلامت، افزون بر سه بعد زیستی، روانشناختی و اجتماعی، بعد معنوی نیز برای انسان در نظر گرفته می‌شود (اسمیت و جردن، ۲۰۱۰). بیلوتا معتقد است معنویت نیاز فراتر رفتن از خود در زندگی روزمره و یکپارچه شدن با کسی غیر از خودمان است. این آگاهی ممکن است منجر به تجربه‌ای شود که فراتر از خودمان است. معنویت امری همگانی است و همانند هیجان، درجات و جلوه‌های مختلفی دارد؛ ممکن است هشیار یا ناهشیار، رشدیافته یا غیر رشدیافته، ساده یا پیچیده و مقید یا خطرناک باشد (وگان، ۲۰۰۳؛ نقل از غباری‌بناب، سلیمی، سلیمانی، نوری‌مقدم، ۱۳۸۶).

معنویت یک نیاز فطری است (باهنر، ۱۳۶۱؛ به نقل از محمدیان، ۱۳۹۳) و سلامت معنوی از جمله مهمترین ابعاد موثر در سلامت روانی انسان است. نیاز انسان به معنویت قدمتی به عمر تاریخ دارد (امین‌پور و زارع، ۱۳۹۷). هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند. درحالی‌که معنویت با جستجو و تجربه عناصر مقدس هوشیاری اوج یافته، تعالی و معنا در ارتباط است. هوش معنوی مستلزم توانایی‌هایی است که از چنین موضوعات معنوی برای تطابق و کنش اثربخش و تولید محصولات و پیامدهای با ارزش استفاده می‌کند. هوش معنوی جنبه‌های ذهنی و ناملموس معنویت را با اقدامات افراد در دنیای عینی و ملموس ترکیب می‌کند (ناسل، ۲۰۰۴). در طی چند دهه اخیر، نظریه پردازان و صاحب نظران علم روانشناسی به این نتیجه رسیده اند که علاوه بر دو هوش عقلانی (IQ) و هوش هیجانی (EQ) جنبه دیگری از هوش وجود دارد که کاملاً منحصر به انسان است و در واقع امروزه گفته می‌شود که هوش عقلانی و هوش هیجانی، پاسخگوی همه چیز نبوده و کاملاً موثر نیستند بلکه انسان به عامل سوم هم نیاز دارد که هوش معنوی (SQ) نامیده می‌شود (چرپر، ۲۰۰۴).

هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط امونز در کتاب "روان‌شناسی علاقه نهایی، انگیزش و معنویت در شخصیت" مطرح شد. هوش معنوی بر خلاف هوش کلی که، رایانه‌ها هم دارای آن هستند و برخلاف هوش هیجانی که در پستانداران عالی‌تر نیز وجود دارد، منحصرأً خاص انسان است و برخی پژوهشگران اعتقاد

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: a.aqdasi@yahoo.com

دارند که هوش معنوی اساسی‌ترین و اصلی‌ترین هوش در بین این سه نوع هوش است. هوش معنوی در افرادی تجلی بیشتری پیدا می‌کند که از حد جسم و ماده فراتر رفته، حالات اوج هوشیاری را تجربه می‌کنند از منابع معنوی برای حل مسأله استفاده کرده و خصوصیات همچون تواضع، بخشش، حق شناسی و ترحم را در آنان می‌توان دید (چریر، ۲۰۰۴).

زوهر و مارشال (۲۰۰۰) معتقدند هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و منابع معنوی است که کاربست آن‌ها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق‌پذیری و بهزیستی فرد شود. به عبارت دیگر، هوش معنوی را می‌توان به عنوان کاربرد ظرفیت‌ها و منابع معنوی در زمینه موقعیت‌های عملی در نظر گرفت (کدخدا و جهانی، ۱۳۸۹). یانگ بیان می‌کند هوش معنوی ظرفیت انسان برای جستجو و پرسیدن سؤالات غایی درباره معنای زندگی است و به طور همزمان تجربه پیوند یکپارچه بین هر یک از ما و جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم. با هوش معنوی به حل مشکلات با توجه به جایگاه، معنا و ارزش آن مشکلات می‌پردازیم. هوشی که قادریم توسط آن به کارها و فعالیت‌هایمان معنا و مفهوم ببخشیم و با استفاده از آن بر معنای عملکردمان آگاه شویم و دریابیم که کدام یک از اعمال‌مان از اعتبار بیشتری برخوردارند و کدام مسیر در زندگی‌مان بالاتر و عالی‌تر است تا آن را الگو و اسوه زندگی خود سازیم. به وسیله هوش معنوی، مشکلات معنایی و ارزشی را حل کرده و فعالیت‌ها و زندگی‌مان را در فضایی غنی‌تر، وسیع‌تر و با معناتر قرار می‌دهیم و تعیین می‌کنیم کدام یک از روش‌های زندگی معنایی بیشتری دارند (مادهو و پوروهیت، ۲۰۰۶).

هوش معنوی دربرگیرنده مجموعه‌ای از توانایی‌های ذهنی به هم پیوسته است که در ایجاد ساختار معنادار برای زندگی و درک ذاتی پیوستگی با جهان هستی و سطح بالای شناخت خود نقش دارد (کینگ، ۲۰۰۷؛ نقل از ناصری، ۱۳۹۲). هوش معنوی، توانایی به کارگیری و بروز ارزش‌های معنوی است به گونه‌ای که موجب ارتقای کارکرد روزانه و سلامت جسمی و روانی فرد می‌شود (زارعی محمودآبادی و سدروپوشان، ۱۳۹۳). هوش معنوی شامل حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا می‌شود، فردی با هوش معنوی بالا دارای انعطاف، خودآگاهی، ظرفیتی برای الهام و شهود، دیدگاه کل نگر به جهان هستی است که در جستجوی پاسخ برای پرسش‌های بنیادین زندگی می‌باشد، هوش معنوی به راحتی می‌تواند به انسان تغییر و تحول بدهد و از جمله متغیرهایی است که می‌تواند سلامت افراد را تحت تاثیر قرار دهد (آمرام، ۲۰۰۵). این نوع از هوش در گستره‌ی عمر تحول پیدا می‌کند (ولمن، ۲۰۰۱؛ امرم، ۲۰۰۷؛ نقل از ناصری ۱۳۹۲). همچنین تطابق و حل مسئله را در بافت‌های محیطی تسهیل می‌کند (زوهرو و مارشال، ۲۰۰۰، ولمن؛ نقل از ناصری، ۱۳۹۲).

نیاز به ارتقای هوش معنوی از جهات مختلف در عصر جدید احساس می‌شود. یکی از ضرورت‌ها در عرصه‌ی انسان‌شناسی توجه به بعد معنوی انسان است. از دیدگاه دانشمندان، به ویژه کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، انسان موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی است. از سوی دیگر از جمله کنش‌های مهم دین کنش‌های بهداشت روان دین و تاثیر دین در حوزه‌های فردی و بهداشت و سلامت روانی جسمانی افراد و کنش روان درمانگری دین است. زندگی معنوی انسان با بهزیستی جسمی و روانی وی ارتباط دارد (اوکنار، هاج و الکساندر، ۲۰۰۰)

یکی از مهمترین شیوه‌های نیایش در دین مبین اسلام نماز است. خداوند در قرآن کریم بیش از ۱۲۰ آیه در سوره‌های مختلف درباره نماز، آداب و فضایل آن سخن گفته و ۱۵ مرتبه به آن امر کرده است. از جمله می‌فرماید: نماز را برای یاد من به پا دارید (طه، ۱۴). خداوند در مورد اهمیت نماز می‌فرماید ((والذین یؤمنون بالاخره یؤمنون به و هم علی صلاتهم یحافظون)) (انعام، ۹۲). آنها که به آخرت ایمان دارند به آن ایمان می‌آورند و مراقب نمازهای خویش هستند. در آموزه‌های دینی، ادای نماز اول وقت بسیار مورد توجه قرار گرفته و توصیه شده است. همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمودند: ((افضل العمال، الصلاه فی اول وقتها)). بهترین اعمال نماز اول وقت است. این تاکید بر اقامه نماز اول وقت یکی از اصول مهم در اجرای این عمل دینی است (علیزاده فرد، ۱۳۹۵). رسول خدا (ص) فرمود: «از من نیست کسی که نماز را سبک بشمارد. به خدا قسم هر کس نماز واجبش را از اول وقت، به تأخیر بیندازد، در حوض کوثر نزد من نخواهد آمد و شفاعت من در روز قیامت نصیب او نمی‌شود. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز می‌فرمایند: هیچ عملی نزد خداوند محبوب‌تر از نماز نیست؛ پس امور دنیا شما را از اوقات آن و خواندن آن در وقت باز ندارد و به خود مشغول نکند.

با توجه به آنچه گفته شد، دین‌داری و نماز تاثیرات گسترده و عمیقی بر ابعاد مختلف انسان دارد و یکی از مهمترین این ابعاد هوش معنوی است؛ علی‌رغم اهمیت موضوع با مرور پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور پژوهشی که به اهمیت نماز در هوش معنوی بپردازد یافت نشد و پژوهش‌های انجام شده به اهمیت دینداری و مذهب و اقامه نماز در سایر ابعاد روانشناختی انسان پرداخته‌اند.

اصفهان‌ی خالقی و قاسمی (۱۳۹۸) طی پژوهشی دریافته‌اند که میزان هوش معنوی افرادی که در پیاده روی اربعین شرکت می‌کنند، بیشتر از افرادی است که هرگز در پیاده روی اربعین شرکت نکرده‌اند. علیزاده فرد (۱۳۹۵) نشان داد اقامه نماز اول وقت با اضطراب، افسردگی و استرس، همبستگی منفی و معنی‌دار دارد و می‌تواند استنباط کرد که اقامه نماز اول وقت می‌تواند منجر به کاهش استرس،

اضطراب و افسردگی شود. جامعی ندوشن و ایزدی (۱۳۹۵) نشان دادند که بین گرایش به اقامه نماز و هوش معنوی با سلات روان رابطه معنی داری وجود دارد و می توان از طریق گرایش به اقامه نماز و هوش معنوی سلامت روانی دانش آموزان را پیش بینی کرد. همچنین بین گرایش به اقامه نماز و هوش معنوی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش صبحی قراملکی و پرزور (۱۳۹۳) نشان داد که هوش معنوی طلاب از دانشجویان بیشتر است. همچنین پژوهش ها نشان دادند که بین سلامت روان و دینداری رابطه وجود دارد (پناهی، ۱۳۸۲؛ ویلانته و همکاران، ۲۰۰۸؛ یانگ و همکاران، ۲۰۰۰؛ استوارد و جو، ۱۹۹۸). نتایج پژوهش استوارد و جو (۱۹۹۸) در مورد ۱۲۱ دانشجو نشان داد که روحیه مذهبی بصورت چشمگیری با سلامت روان و سازگاری در ارتباط است و افرادی که خود را بیش از همه مذهبی می دانند از دیگران سازگارترند و بالاترین عملکرد تحصیلی را دارند.

با توجه به این که نماز صرفاً یک عبادت در میان فرایض دینی محسوب نمی شود و دارای آثار مختلفی در تمامی ابعاد انسان است؛ بنابراین شناخت علمی اثرات نماز بر ابعاد و کارکردهای مختلف انسان دارای اهمیت بسیاری است. با توجه به اهمیت هوش معنوی و تاثیرگذاری آن بر وجوه مختلف زندگی دانشجویان و نیز مبانی نظری مرتبط با آن، پژوهش حاضر را با هدف مقایسه هوش معنوی دانشجویان نمازگزار و غیرنمازگزار انجام دادیم.

## روش

### شرکت کنندگان

پژوهش حاضر با توجه به هدف بنیادی و روش آن پیمایشی از نوع تصادفی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد ملارد بود که در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۵۶ نفر از دانشجویان این دانشگاه بود که ۷۰ نفر از آنها مقید به نماز اول وقت و ۸۶ نفر غیر نمازگزار بودند.

### ابزار

پرسشنامه هوش معنوی کینگ: این پرسشنامه که در سال ۲۰۰۸ توسط کینگ طراحی شد دارای ۲۴ گویه و ۴ زیر مقیاس شامل تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هشیاری است. نمره گذاری پرسشنامه مذکور به صورت یک طیف لیکرتی ۵ درجه ای (کاملاً نادرست تا کاملاً درست) است. لازم به ذکر است که این شیوه نمره گذاری برای سوال شماره ۶ به صورت معکوس انجام می شود. پرسشنامه حاضر از پایایی و روایی مناسبی برخوردار است (رقیب و همکاران، ۱۳۸۹).

### شیوه اجرا

شیوه نمونه گیری در این تحقیق به صورت هدفمند بود و شیوه اجرا نیز بدین ترتیب بود که ابتدا از بین دانشجویان، افراد نمازگزار مقید به نماز اول وقت و نیز دانشجویان غیر نمازگزار انتخاب (با توجه به سوالی که در پرسشنامه مبنی بر تقید به نماز اول وقت یا عدم تقید به اقامه نماز طراحی شده بود) و سپس دانشجویان پرسشنامه هوش معنوی کینگ را تکمیل نمودند.

## نتایج

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد و نتایج آزمون t هوش معنوی دانشجویان گزارش شده است. میانگین نمرات هوش معنوی دانشجویان اقامه کننده نماز اول وقت ۶۰/۴۸ و دانشجویان غیر نمازگذار ۵۴/۴۴ بود. نتایج آزمون t نشان داد که بین میانگین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد گروهها و نتایج آزمون تی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	df	P
نمازگذاران اول وقت	۷۰	۶۰/۴۸	۱۲/۸۷	۲/۹۲	۱۵۴	۰/۰۴
غیرنمازگذار	۸۶	۵۴/۴۴	۱۲/۸۱			

## بحث

هدف پژوهش حاضر مقایسه هوش معنوی در دانشجویان نمازگزار و غیرنمازگزار بود. نتایج نشان داد که هوش معنوی دانشجویان اقامه‌کننده نماز اول وقت از دانشجویان غیرنمازگزار بیشتر است. هر چند پژوهشی مشابه پژوهش فوق در داخل و خارج از کشور یافت نشد؛ اما، یافته‌های پژوهش حاضر به صورت غیرمستقیم همخوان با یافته‌های پژوهش‌های اصفهانی خالقی و قاسمی (۱۳۹۸)، علیزاده (۱۳۹۵)، ندوشن و ایزدی (۱۳۹۵)، صبحی قراملکی و پرزور (۱۳۹۳)، پناهی (۱۳۸۲)، جانسون و همکاران (۲۰۱۱)، ویلیامز (۲۰۱۰)، ویلانگ و همکاران (۲۰۰۸) و یانگ و همکاران (۲۰۰۰) است.

در تبیین نتایج به‌دست آمده از پژوهش می‌توان اظهار داشت که اسلام برنامه سالم‌سازی است. بنابراین بدیهی است که همه قوانین و مقررات و برنامه‌های اسلام راه را برای آرامش روان و سلامت روان انسان و تحقق خلیفه الهی بودن او هموار و آماده سازد. از این دیدگاه در بین تمام برنامه‌ها و قوانین اسلام نماز از جایگاه والایی برخوردار است و در آیات مختلف مستقیماً به نقش آن در آرام‌سازی درون، شفابخشی قلب و شادابی روان اشاره شده است.

تقید به انجام اعمال مذهبی، تحت قوانین مشخص مانند زمان انجام این اعمال موجب می‌شود فرد در معنا بخشیدن و هدف‌گزینی برای زندگی خود، متفاوت از کسانی عمل کند که فاقد باورها و ساختارهای دینی هستند. به عبارت دیگر، تعهد در مناسبات دینی موجب می‌شود که فرد معنا و هدف مشخص و متعالی در زندگی داشته باشد. همانا حرکت در مسیر ارتباط انسان با خداست. زندگی دینی یک مسیر پویا و رو به شکوفایی است که در هر مرحله انسان را به ادامه و رسیدن به تعالی ترغیب می‌کند (دوناو، ۱۹۸۵؛ به نقل از علیزاده فر، ۱۳۹۵). همین امر می‌تواند منجر به تاثیر چشمگیری در افزایش هوش معنوی که یکی از وجوه پراهمیت آن داشتن معنا و اهداف ارزشمند در زندگی است در افراد مقید به نماز اول وقت شود.

هوش معنوی در افرادی تجلی بیشتری پیدا می‌کند که از حد جسم و ماده فراتر رفته، حالات اوج هوشیاری را تجربه می‌کنند، از منابع معنوی برای حل مسأله استفاده کرده و خصوصیات هم‌چون تواضع، بخشش، حق‌شناسی و ترحم را در آنان می‌توان دید (چریر، ۲۰۰۴). نماز و به‌ویژه تقید به نماز اول وقت که حاکی از انگیزه‌های درونی نیرومند برای اقامه نماز است بهترین شیوه برای تعالی این ویژگی‌های ارزشمند است؛ بنابراین بدیهی است که افراد مقید به نماز اول وقت از هوش معنوی بالاتری نسبت به سایر افراد برخوردار باشند. نماز در فرهنگ اسلامی ما از مهم‌ترین فرایض دینی و از ضروریات دین مقدس اسلام، نقطه اوج عبادات، عمود دین و مرز بین کفر و ایمان، وسیله قرب الهی و تکامل انسان است. اهمیت و آثار تربیتی نماز خواندن نیز در آیات و روایات دینی بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است. به‌طور کلی اهمیت نماز در فرهنگ اسلامی نقش تربیتی، معنوی و اجتماعی آن در بین مسلمانان عنصری روشن و بدیهی است. لذا، تأثیری که توسعه فرهنگ نماز می‌تواند در شخصیت و شیوه‌های رفتاری مناسب زندگی و فرهنگ عمومی جامعه به‌جا بگذارد، حائز اهمیت بسیار است (سجادی، ۱۳۶۳).

با توجه به اثرات گسترده و عمیق اقامه نماز اول وقت، توسعه فرهنگ آن بسیار ضروری است و باید خانواده‌ها و نهادهای مذهبی و اجتماعی توجه ویژه‌ای به این امر مهم داشته باشند. همچنین، با توجه به محدودیت‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در ارتباط با ابعاد مختلف روانشناختی و نیز اعمال دیگر مذهبی در سایر گروه‌های جامعه نیز انجام شود.

## منابع

- قرآن کریم.
- ادیب حاج باقری، محسن (۱۳۷۹). آثار مطلوب نماز در بهداشت روان. *نشریه طب و تزکیه*، ۳، ۳۱-۳۵.
- اصفهانی خالقی، آتنا و قاسمی، سید امیر حسین (۱۳۹۸). *مقایسه هوش معنوی افرادی که در پیاده روی اربعین شرکت نکرده‌اند با افرادی که شرکت نکرده‌اند*. همایش بین‌المللی پیاده روی اربعین.
- آقایانی چاوشی، اکبر؛ طالبیان، داود؛ طرخورانی، حمید؛ صدقی‌جلال، هما؛ آزرمی، هاله و فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۷). بررسی رابطه نماز با جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان. *مجله علوم رفتاری*، ۲، ۱۴۹-۱۵۶.
- امین پور، حسن و زارع، حسین (۱۳۹۷). کاربرد *آزمونهای روانی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- جامعی ندوشن، فاطمه و ایزدی، مهشید (۱۳۹۵). بررسی نقش گرایش به اقامه نماز و هوش معنوی در سلامت روان دانش‌آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۷ شهر تهران. *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱، ۵۳-۷۴.

- زارعی محمودآبادی، حسن؛ سدروشان، نعیمه (۱۳۹۳). رابطه هوش معنوی با مولفه‌های فرسودگی شغلی در معلمان زن. *فصلنامه علمی تخصصی طب کار، عمر، ۶۶-۷۴*.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۹۰). مبانی هوش معنوی. *مجله سلامت روان، ۸، ۲۹-۵۶*.
- صبحی قراملکی، ناصر و پرزور، پرویز (۱۳۹۳). مقایسه هوش هیجانی و هوش معنوی طلاب و دانشجویان. *نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۴، ۲۹۷-۳۱۰*.
- علیزاده فر، سوسن (۱۳۹۵). *رابطه اقامه نماز اول وقت با استرس، اضطراب و افسردگی. کنگره ملی نماز و سلامت روان. تهران: دانشگاه تهران.*
- غباری‌بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا؛ نوری‌مقدم، ثنا (۱۳۸۶). هوش معنوی. *فصلنامه علمی و پژوهشی اندیشه نوین دینی، ۳، ۱۴۷-۱۲۵*.
- کدخدا، محمد؛ جهانی، حوریه (۱۳۸۹). *منطق‌پذیری هوش معنوی در فرایند تصمیم‌گیری. سومین کنفرانس ملی خلاقیت‌شناسی، تربیت و مهندسی و مدیریت نوآوری ایران.*
- محمدیان، مهتاب (۱۳۹۳). *بررسی رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی با رضایت از زندگی در زوجهای جوان شاغل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی کرمانشاه.*
- ناصری، اسماعیل (۱۳۹۲). *بررسی مؤلفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزار برای سنجش آن در بین دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبائی.*
- Amram, J. (2005). *Intelligence Beyond IQ: The contribution of emotion and spiritual intelligence to effective business leadership*. Institute of transpersonal psychology
- Cheriar, p. (2004). *Now IT IS SQ*. retrieved [https://: www.life](https://www.life) and work meaning and purpose.
- Johnson, E. (2011). Affect, generalization, and the perception of risk. *Journal of Personality and Social Psychology, 45*, 20-31.
- Madhu, J., & Purohit, P. (2006). Spiritual Intelligence: A Contemporary Concern with Regard to Living Status of the Senior Citizens, university of Rajasthan, Jaipur. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology, 32*, 227-23.
- Nasel, D. D. (2004). *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*. Thesis submitted for the degree of Ph. D in The University of South Australia, Division of Education, Arts and Social Sciences, School of Psychology.
- O'Connor, T. P., Hoge, D. R., & Alexander, E. (2002). The relative influence of youth and adult experiences on personal spirituality and church involvement. *Journal for the Scientific Study of Religion, 41*, 723-732.
- Steward, R. J., Joe, H. (1998). *Does spirituality influence academic achievement and psychological adjustment of Africans-American urban adolescence?* EDRS-MF/ plus postage.
- Vaughan, F. (2003). What is spiritual intelligence? *J of humanistic psychology, 42*,
- Vaillant, G., Templeton, J., Ardel, M., & Meyer, S. E. (2008). The natural history of male mental health: Health and religious involvement. *Social Science & Medicine, 66*, 221-231.
- Williams, A. (2010). Spiritual therapeutic landscapes and healing: A case study of St. Anne de Beaupre, Quebec, Canada. *Social Science & Medicine, 70*, 1633-1640.
- Young, J. S. et al. (2000). The moderating relationship of spirituality on negative life events and psychological adjustment. *Journal of Counseling and Value, 45*, 49-58.
- Zohar, D., & Marshall, I. (2000). *SQ, Spiritual intelligences, the ultimate intelligence*. Bloomsbury London: Ul copy.